



<div><div><span><span> </span></span></div><span></span></div>
<b>سیاسی، اجتماعی، فرهنگی</b> <p>کاغذ اخبار</p> <div><b>صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان</b></div> <div><b>مدیر مسؤؤل: زینب داوری</b></div> <div><b>نشانی دفتر تحریریه: زاهدان ، دفاتر انجمن اسلامی دانشجویان</b></div> <div><b>دانشکده های مهندسی و ادبیات</b></div> <div><b>تلفن<span> </span>: ۲۴۱۷۷۳۰</b></div> <div><b>طراحی و صفحه آرای<span> </span>: کانون تبلیغات تپش</b></div> <div><b>تلفن<span> </span>: ۳۲۳۷۷۳۲</b></div>

یکشنبه ۶ آبان ۱۳۸۶ ■ ۲۸ آکتبر ۲۰۰۷

## خاطرات یک دوست

وقتی که می‌بیش از ته تل اهی می‌کنم. همیشه مثل آدم های شکست خورده، می‌ناله، از بی فکر، از بی کاری، از فضای اناقی، از کنایه‌ها، از استلاها، از فلسف سوسوس، از قولی تو کنکور و بالاخره از زندگی وقتی بهش می‌گم بابا بی خیال، این همه زبانی تو استفاده کن. می‌گه کردم زبانی همه رو، تو چشم من زشت جاوه دانه. بعدش می‌فکر کن که من استفاده کنم. آخرش چی؟ آخرش که می‌خوام بمیرم. حالا چه رومح بمیره و چه جسمم، اصلا مگه برای کسی اهمیت داره؟ آره، می‌دونم! شاید هم می‌دونن به بچی رسیده‌ا وقتی می‌دونه که کاش نمی‌موتی و نمی‌فهمید که کنشورش داره تاوان تاجایی رو که انسان های بی لیاقت باعث اون ها شدن، پس می‌ده شاید می‌خواست حق خودش از تمام اون بگیره، ولی چون نمی‌توانست، اعتماد به نفسشو از دست داده بود. کاش می‌دونست و نمی‌فهمید که اگر زبانی‌ها در چارچوب محدودیت داره بگیره، زشت جلوه می‌دن. شاید به خاطر همینه هیچ وقت هیچ گلی بر جز با نفرت نگاه نکرد و کاش نمی‌دونست و نمی‌فهمید که جوانایی مثل خودش بالاکلیف، بدبخت، دنباله روی این و اون می‌شن. شاید به خاطر همینه هر وقت منو می‌دید، می‌گفت جوونا رو دوست دارم، ما این که هیچی ندانم، تلاش می‌کنن و با این که هزاران مشکل دارن، ناامید نمی‌شن و با این که همه به چشم مزاحمت و باره اونا نگاه می‌کنن. همیشه توی همه صحنه‌ها، دوست دارم بی‌شرع و ترقی‌کنن ولی می‌خوام دوستی‌ها اونا که زندگی و زبانی‌ها رو رزیا می‌دینن، اون وقت احساسی جادو بود که اونا که اعتماد به نفس می‌کردن.

## هدایت و سینما

### ۱. کربیی



پیروز ووفی در نقش دانی اکل

دانی که یاد به این اشاره شود این است که اکثر فیلمسازانی که به آثار هدایت روی آورده اند تنها به اقتباس از دو برداخته اند یعنی به صورت مستقیم از نوشته‌ها و داستانهایی از استفاده کرده‌اند و به سبب سلیقه ای در آثار او دست برده‌اند.

اما رابطه ی هدایت با سینما تنها به این اقتباس‌ها خلاصه نمی‌شود مثلا بسیاری از فیلمسازان هرگاه خوسته‌اند آن‌چهره ای فرهنگی از شخصیت‌های فیلم خود ارائه دهند، عکس‌آی هدایت بر دیوار منزل با اتاقی او اوپزبان کرده‌اند.
برخی دیگر از فیلمها نیز وجود دارند که هیچ گونه رابطه مستقیم با غیر مستقیم بر آثار هدایت ندارند و تنها نتیجه ی تائیری است که خواندن کتابهای او بر زندگی او دیدگاههای فیلمساز گذاشته و بر اساس آن دست به ساختن فیلم زد است.
شاید یکی از این فیلمسازان بهمن فرمان آرا باشد که دیدن فیلم‌های او مثل خانه ای روی آب، یک یوس کوچولو، یوسف و ظعرباسی و … این گفته را تصدیق میکند. البته تائیر تاریکی که سینما بر هدایت گذاشته است تا بزرده گرفت، در سال ۱۳۷۵ به عنوان نویسنده و هند وقت و با شرکت فیلم یعنی همکاری نمود.
با فیلمسازان که در اقتباس‌ها خلاصه نمی‌شود ، اما بسیاری از گفته‌ها حاکی از آن است که او بوف کور که کتابی است بزرگترین آثارش است را در آنجا و در نتیجه ی تائیر آن فیلمها روی کاغذ آورد است.
درآثار بعدی هدایت هم که در سالهای اقامت در فرانسه نوشته شد، البته نتیجه ی تائیرات سینمایی آن زمان فرانسه را دیدارهای فیلم فرسویی سگ آندلسی که تائیرش بعدها موجب به وجود آمدن رمان سگ ولگرد شد.

در پایان مقالات مختلف هدایت، یک یا چند نقد فیلم نیز وجود دارد، که با وجود اینکه بیشتر به بحث محتوایی فیلم پرداخته است و به نقد فنی و نظری دست نرزد، در نوع خود جالب توجه است.
شاید در سمنایی ایران به خصوص سینمای موج نو و روشنفکری ایران که تقریبا از اوایل دهه پنجاه آغاز شد، هدایت نویسنده ای باشد که بیشترین آثارش به آثار او صورت گرفته است.
بوف کور را دوبار، یک بار توسط پیکرهمراهی در سال ۱۳۵۰، در خارج از کشور و بار دیگر توسط کمپورت دربخش در سال ۱۳۵۴، برای تلویزیون با بازی پرویز پوری زاده (بارگنر نام آشنای سینمای روشنفکری قبل از انقلاب) ساخته شد تا جایی که شنیده شده است، هیچکدام نوشته است با تائیر گذاری و قدرت این کتاب را حتی در ابعاد کوچک به تصویر بکشید.

# کاغذ اخبار

مطالب روزنامه لزوماً نشان دهنده دیدگاههای انجمن اسلامی دانشجویان نیست

## راه آزادی

<b>تیه کال</b>
<b>میرزابونوس</b>
<b>درخت افکن بود کم زندگانی</b>
<b>میرزابونوس</b>

در کوبری سیراب، در دریای خشک و آسمانی دود، تو به دنبال کداینم، ایشانه ای برای ورلیدن نور در گالانی از سپس بلور و بستری از عشق؟ در جهانی اینچنین، سخن مرده بود و خالق با جس و نگاه‌ها بسته، سبزی سبزه و شادی لچند بون خود را در اوج نیستی از سیاهی روز گدایی می‌کنند. زبانی هر چیز بون آن در رنگ خود است. زندگی با کوپر رتشته و دریایی بر از آب های ملامط و آسمانی با رنگ بار معنا پیدا می‌کند. کوله پشتی واژگان ذهنم را بر پشت گذاشته و به سوی آزادی حرکت کرده ام تا شاید قفل دهن‌های بسته دست‌هایی که هنوز رنگ ممت شدن را ندیده‌اند را باز کنند. اما من رو تاچین نمی‌کنه، شاید به خاطر همین محتالانه فکر می‌کنه و از ریسک‌های بزرگ که موفقیت‌های بزرگ به وجود می‌آره، دوری می‌کنه و کاش نمی‌دونست و نمی‌فهمید که کنشورش داره تاوان تاجایی رو که انسان‌های بی لیاقت باعث اون‌ها شدن، پس می‌ده شاید می‌خواست حق خودش از تمام اون بگیره، ولی چون نمی‌توانست، اعتماد به نفسشو از دست داده بود.

شاید به خاطر همینه هیچ وقت هیچ گلی بر جز با نفرت نگاه نکرد و کاش نمی‌دونست و نمی‌فهمید که جوانایی مثل خودش بالاکلیف، بدبخت، دنباله روی این و اون می‌شن. شاید به خاطر همینه هر وقت منو می‌دید، می‌گفت جوونا رو دوست دارم، ما این که هیچی ندانم، تلاش می‌کنن و با این که هزاران مشکل دارن، ناامید نمی‌شن و با این که همه به چشم مزاحمت و باره اونا نگاه می‌کنن. همیشه توی همه صحنه‌ها، دوست دارم بی‌شرع و ترقی‌کنن ولی می‌خوام دوستی‌ها اونا که زندگی و زبانی‌ها رو رزیا می‌دینن، اون وقت احساسی جادو بود که اونا که اعتماد به نفس می‌کردن.

در کوبری سیراب، در دریای خشک و آسمانی دود، تو به دنبال کداینم، ایشانه ای برای ورلیدن نور در گالانی از سپس بلور و بستری از عشق؟ در جهانی اینچنین، سخن مرده بود و خالق با جس و نگاه‌ها بسته، سبزی سبزه و شادی لچند بون خود را در اوج نیستی از سیاهی روز گدایی می‌کنند. زبانی هر چیز بون آن در رنگ خود است. زندگی با کوپر رتشته و دریایی بر از آب های ملامط و آسمانی با رنگ بار معنا پیدا می‌کند. کوله پشتی واژگان ذهنم را بر پشت گذاشته و به سوی آزادی حرکت کرده ام تا شاید قفل دهن‌های بسته دست‌هایی که هنوز رنگ ممت شدن را ندیده‌اند را باز کنند. اما من رو تاچین نمی‌کنه، شاید به خاطر همین محتالانه فکر می‌کنه و از ریسک‌های بزرگ که موفقیت‌های بزرگ به وجود می‌آره، دوری می‌کنه و کاش نمی‌دونست و نمی‌فهمید که کنشورش داره تاوان تاجایی رو که انسان‌های بی لیاقت باعث اون‌ها شدن، پس می‌ده شاید می‌خواست حق خودش از تمام اون بگیره، ولی چون نمی‌توانست، اعتماد به نفسشو از دست داده بود.



## اندر احوال انجمن اسلامی مستقل

### مستقل ولی وابسته

### نگاهی به انجمن مستقل

رویه ۲

یکشنبه ۶ آبان ۱۳۸۶ ■ ۲۸ اکتبر ۲۰۰۷

مطالب روزنامه لزوماً نشان دهنده دیدگاههای انجمن اسلامی دانشجویان نیست

تاج زاده در نشست سراسری شاخه های جوانان همجشارکت در زاهدان :

## ما نه چوبی داریم ، نه چرخی می بینیم که می چرخد



علی باقری

ای می‌ان افراد و حاکمیت است و همه ایرانی هستیم و همه سربلندی ایران را می‌خواهیم، همه انسان هستیم و می‌خواهیم از حقوق فردی

ما در عین حال می‌خواهیم به زبان خود صحبت کنیم، به آداب و رسوم و فرهنگ خود عمل کنیم، چون از قومیت‌های مختلفی شکل گرفته‌ایم. تاج زاده به دیدگاه‌های مختلف در باره ی این حقوق پرداخت و گفت: برخی معتقدند که این مسئله «حقوق اقوام»- مثل حقوق ملی است و دوست دارند کشور به پادگانی بزرگ تبدیل شود. وی ادامه داد که در مشروطه نیز حرف اول این بود که ایران عقب افتاده

## گفت و گو با حجت الاسلام حمید انصاریان مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه س و آقایان دلسان نو خوانند در چهارچوب ضوابط حرکت کنند!!

علی پارسا، محرمرضا ایلین

در سال ۱۳۴۱، در شهرپایک استان کرمان به دنیا آمد. تا پایان دوران متوسطه در آن جا بود و سپس در سال ۵۸، برای تحصیلات حوزوی به قم رفت و تا سال ۷۵ در حوزه علمیه قم مشغول به تحصیل بود. در کنار تحصیلات حوزوی، فلسفه اسلامی را در محضر ابوال‌الله جوادی آملی و حسن زاده املی خواند. به سبب علاقه ای که به مسائل سیاسی است و در کنار تحصیلات حوزوی، به درجه کارشناسی علوم سیاسی در دانشگاه بحرانعلوم برگ رسید. در سال ۷۵ به استان سیستان و بلوچستان و در دانشگاه های کشاورزی و علوم پزشکی رابل، عهده‌دار مسئولیت نهاد مقام معظم رهبری و تدریس دروس معارف شد.
در سال ۷۸ به زاهدان آمد و در نهاد رهبری و گروه معارف مشغول به کار گردید. این کار تا سال ۸۰ ادامه یافت و در کنار تشکل‌ها از خوب‌شناسان غریب‌مانده است و باید به آن پرداخته‌شود.
انجمن های اسلامی هم در حال دراعیه اسلام را دارند، باید اسلام و خوب‌شناسان در برابر جریان های حاکم به غرب که جدایی دین از سیاست است، پایبندست و اسلام را دین کامل که می‌تواند جامعه را اداره کند، بشناسند.
از افکار امام و مقام معظم رهبری هم باید بیشتر استفاده بشود. همه یا هم باید تلاش کنیم که دین اسلام را که حافظ همه ما و تضمین کننده دنیا و آخرت ماست، احیا کنیم و از ارزش‌هایش دفاع کنیم.

در سال ۱۳۴۱، در شهرپایک استان کرمان به دنیا آمد. تا پایان دوران متوسطه در آن جا بود و سپس در سال ۵۸، برای تحصیلات حوزوی به قم رفت و تا سال ۷۵ در حوزه علمیه قم مشغول به تحصیل بود. در کنار تحصیلات حوزوی، فلسفه اسلامی را در محضر ابوال‌الله جوادی آملی و حسن زاده املی خواند. به سبب علاقه ای که به مسائل سیاسی است و در کنار تحصیلات حوزوی، به درجه کارشناسی علوم سیاسی در دانشگاه بحرانعلوم برگ رسید. در سال ۷۵ به استان سیستان و بلوچستان و در دانشگاه های کشاورزی و علوم پزشکی رابل، عهده‌دار مسئولیت نهاد مقام معظم رهبری و تدریس دروس معارف شد.
در سال ۷۸ به زاهدان آمد و در نهاد رهبری و گروه معارف مشغول به کار گردید. این کار تا سال ۸۰ ادامه یافت و در کنار تشکل‌ها از خوب‌شناسان غریب‌مانده است و باید به آن پرداخته‌شود.
انجمن های اسلامی هم در حال دراعیه اسلام را دارند، باید اسلام و خوب‌شناسان در برابر جریان های حاکم به غرب که جدایی دین از سیاست است، پایبندست و اسلام را دین کامل که می‌تواند جامعه را اداره کند، بشناسند.
از افکار امام و مقام معظم رهبری هم باید بیشتر استفاده بشود. همه یا هم باید تلاش کنیم که دین اسلام را که حافظ همه ما و تضمین کننده دنیا و آخرت ماست، احیا کنیم و از ارزش‌هایش دفاع کنیم.

دولتی باید کار کند در اعتراض به عملکردها یعنی نیست. اما اگر کسانی می‌خواهند از امکانات دولتی استفاده کنند، طبیعی است به آن‌ها اجازه داده نخواهد شد.
اما این امکانات دولتی نیست، مال ملت است…

«مال هر دو است. خود دولت اجازه نمی‌دهد از این امکانات علیه خودش استفاده شود. بله، اگر نخواهند اعتراض منطقی بکنند، کتاب ندارند. یعنی شما می‌گویید، مثلا انجمن اسلامی به صورت مستقلی اعتراض نمی‌کند؟ یا کسانی که غیر از دولت باشند و به آن وابسته نباشند، توانایی اعتراض مننی، منطقی و سازنده را ندارند؟

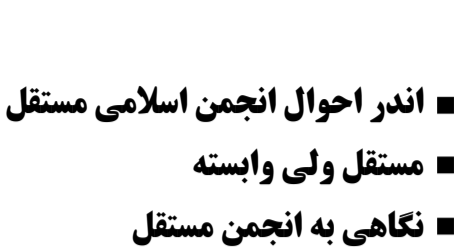
نه، منظور من این نبود. در بعضی‌ها که شما می‌گویید محدود کرده‌اند، در واقع ضوابطی معین کرده‌اند که آقایان دلشان نمی‌خواهد در چهارچوب این ضوابط حرکت کنند. کارهای دانشجویی را باید خود می‌کنند. و از طرفی هم چون ما کار اجرایی روزمره در دانشگاه انجام نمی‌دهیم و بیشتر کار فرهنگی می‌کنیم، این گونه جلسات پرسش و پاسخ نداریم.

**دولی توجیه به این که مد اعا می‌کنیم حکومت ما علوی است و در حکومت**

بیه هر حال هنوز جایگاه نهاد، به صورت در میان دانشجویان است. توجیه این است که ما باید برای انجام کار فرهنگی تلاش کنیم. باید کار فرهنگی را یک نهاد خاص یا چند تا نیرو انجام بدهد، این عملی نیست. من به مسئولین هم گفته‌ام، همه برای انجام کارهای فرهنگی مسئولیت خود دارند. لذا هدایت‌رئیس دانشگاه فقط نباید کار اجرایی بکنند.

خوب این کار فرهنگی چگونه باید انجام شود؟ من فکر می‌کنم باید به دانشجویان فضا داد تا خودش کار بکند، خودش تشخیص دهد به چه کند، البته با رعایت ضوابط دانشگاه. من احساس می‌کنم در این چند سال با ضوابطی که گذاشته می‌شود محدودیتی که اعمال می‌شود، فضا برای فعالیت‌های دانشجویی تنگ تر شده است. در حالی که فعالیت‌های خبلی نهادهای مانند نهاد رهبری- همان‌گونه که اشاره کردید- بررنگ این‌ها توان پاسخ می‌گویند و در حقیقت نشان می‌دهند که در دانشجویان پاسخگویند. نظرها شما در باره این کار چیست؟

فلسن عمل زیبا و خوب است. شاید دانشجویان در شرایطی بخوانند یا رئیس دانشگاه یا معاونت‌هایش حرف بزنند، ولی به خاطر کثرت و مقررات دارد. بالاخره، دانشگاه دولتی است و در چهارچوب مقررات



ستون به سقف تو می‌زنم

اگر چه با استخوان خویش

## هدایت و سینما رویه ۴



سال سوم ■ شماره ۴۳ ■ ۱۰۰ تومان

### ۱۰ سر مقاله

### وجدان خاموش

زینب داوری

ما زنده به آتیم که آرام نگیریم

موجبیم که آسودگی ما عدم ماست

صاحب تیریزی جامعه ایران در گذار از تاریخ سردمدار عدالت بود و برای ارائه تحلیل جامعی ازاصلاحات دموکراتیک و توانایی های مردم سالاری، حرفی برای گفتن داشته است.

همتی همگانی لازم است که نیرو و توان خود را به صحنه آورند و ساختار جامعه را به طور شفاف تر در معرض نگاه منتقد جامعه قرار دهند و تبدیل به تجربه ای تلخ که نسل‌های بعد نیز آزار بکنند، نشود. حتی به آبدیده شدن شدن همه نیروهای دموکرات پیانجامد.

باید تحلیل‌های مستند باشد و از هیجان زدگی پرهیزیم و به حرکت‌های مدنی دانشجویان در این جهت فرصت داد تا بتوانند این تحلیل‌ها را به ابعاد گسترده پیکیری کنند و سازمان دهند و سیاست‌ها و خط مشی‌های جدیدی را برای استمرار فعالیت‌هایشان متناسب با رفو روز در جهت فعال کردن نسل جوان و در راستای تفکرات رفرمیس و دوری از خشونت و درگیری با هدف ایجاد بحران و تشنج، به تصارب آراء، بپردازیم. خوب بیندیشیم که تعصب رزقترین ووالا ترین اندیشه را انکار می‌کند و دشمن زندگی مان می‌شود. در این صورت محکوم به کرسی نشاندن آرمان و اندیشه شده دیکران و این برای انسان که آزاد آفریده شده، کاری بیهوده می‌نماید که بخوایم طبع وی را برای مقاصد چنین و چنان بکار گیریم. آزادی ای که سازنده غرور ماست نباید با هزینه‌های گزاف از دست برود. من زنده باید بدانشه در حال پرواز، زنده باید مخاطره خدمت به عقیده. زنده خیزاب بلندی که ما را به شکوه آزادی برساند.

با همکسانی شما مخاطب عزیز- به رسالت‌تمام ادامه می‌دهیم، باشد که به جامعه‌ای مثنی، پویا و سالم دست پیدا کنیم.

را متکسر می‌کنند. به نظر من باید زمینه فعالیت همه را طبق ضوابط و برنامه‌های دانشگاه و مسوئله‌های شورای فرهنگی فراهم کرد.

مسئله بسیار مهمی که حداقل در این دو سه سال در دانشگاه‌های کشور، بسیار جدی مطرح است، مسئله کمیته انضباطی است. جدای از این که بررسی کنیم که فعالیت‌های کمیته انضباطی منطبق بر موازین حقوقی هست یا نه، من می‌بینم که در میان دانشجویان، کمیته به عنوان یک مزاحم که حتی آزادی‌های مشروع را محدود می‌کند، شناسخته می‌شود. البته نمی‌خواهم بگویم این دیدگاه درست است یا نه، اما جو دانشگاه به این شکل است. دیدگاه نهاد در باره فعالیت‌های کمیته انضباطی - نفس آن- چیست؟

فصل خود کمیته انضباطی دارای جایگاه قانونی در وزارتخانه است. من هم در جلسات توضیح داده ام که کمیته انضباطی باید بیشتر نقش ارشادی و هدایتی داشته باشد و تلاش خودش را بکند که مرابثه امر به معروف و نهی از منکر را رعایت کند. اگر به درجه ای رسید که شخص قابل اصلاح نبود و به هیچ‌نکردگی اکتفا نکرد، آن‌گاه تشکیل داده شود. می‌شود و مراحل خودش طی کند. یعنی نباید تذکر شفاهی داده شود، بعد تذکر کتبی، بعد برون‌درج در پرونده، بعد درج در پرونده…

اما از بسیاری دانشجویان می‌شنوم که ادعا می‌کنند در همان اولین برخورد، به دریافت حکم انضباطی تهدید شده‌اند!

به همه ممکن است یکی مورد این جور بوده، اما در عملکرد آن‌هایی که



تکامل پرونده می‌دهند، تا جایی که ما حضور داشته باشیم، باید بر طبق ضوابط عمل شود و اگر اجابنا یا کسی غیر قانونی برخورد نمود، ما با آن مقابله می‌کنیم. ولی الحمدلله سعی شده بر طبق قوانین برخورد شود و برخوردها حداقلی باشد که دانشجویان احساس نکنند، کمیته مزاحم است. بلکه دانشجو احساس کند که کمیته برای حفظ حرمت او و دانشگاه و ارشاد وی حرکت می‌کند.

• در کتابخانه نهاد رهبری، کتابچه‌ای هست با عنوان «حقوق دانشجوی»، این کتابچه برای اطلاع دانشجویان و اساتذ دانشگاه (از رشتنه تا تهران) می‌تواند مورد استفاده و در دسترس دانشجویان باشد که دانشجویان با آن آشنایی داشته باشند. کمیته مزاحم است. می‌تواند مورد استفاده و در دسترس دانشجویان باشد.

• مقرر می‌کنم خود رئیس دانشگاه باشد.

• دفتر می‌تواند بزرگتر

• باید ریسک بیشتر رسیده، همه دانشجویان این مهم.

• به نظر شما صحبت بر سر فرد دانشگاه (از رشته تا مسئول) کیست؟

• مقرر می‌کنم خود رئیس دانشگاه باشد.

• دفتر می‌تواند بزرگتر

• باید ریسک بیشتر رسیده، همه دانشجویان این مهم.